

## نقدی بر کتاب باستان‌شناسی پیش از تاریخ بین‌النهرین (میان‌رودان)

رحمت عباس‌نژاد سرستی\*

### چکیده

منطقه هلال حاصل‌خیز، که نخستین یک‌جانشینی و اهلی‌گری توسط بشر در آن صورت پذیرفته است، در آسیای جنوب غربی قرار دارد. میان‌رودان، یکی از بخش‌های مهم این منطقه، نقش ویژه‌ای در رویدادهای معیشتی، اقتصادی، و اجتماعی دوران پیش از تاریخ داشته است. کتاب *باستان‌شناسی پیش از تاریخ بین‌النهرین*، همانند هر اثر دیگری، امتیازات و کاستی‌هایی دارد. مهم‌ترین ویژگی مطلوب کتاب برخورداری از اطلاعات نسبتاً جامعی درباره پیش از تاریخ سرزمین میان‌رودان است که با متنی روان و قابل‌فهم در اختیار خواننده قرار داده شده است. جامع‌نبودن کتاب از نظر مؤلفه‌های شکلی از بارزترین نقیصه‌های آن است. مباحث توصیفی مفید و نسبتاً کاملی که در کتاب مطرح شده در فهرست مطالب متبلور نشده است. جدول‌ها، تصاویر، و نقشه‌های به‌کاررفته مطلوبیت کافی ندارد. جای خالی جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کاملاً در کتاب مشهود است. عدم تجزیه و تحلیل داده‌های باستان‌شناختی و عدم نقد نظریه‌های مطرح در زمینه پیش از تاریخ میان‌رودان از مهم‌ترین ایرادهای محتوایی کتاب است. دوره‌بندی دوران نوسنگی در چهارچوب مشخصی صورت نگرفته است. دوران فراپارینه‌سنگی، آغاز نوسنگی، و نوسنگی مناطق لوانت و میان‌رودان از دهه ۱۹۹۰ میلادی به بعد به‌طور دقیق تقسیم‌بندی نشده است. نظریات باستان‌شناختی فرهنگ‌های پیش از تاریخ سرزمین میان‌رودان نیز در کتاب نقد علمی نشده است. جای تحلیل وضعیت پیچیدگی‌های اقتصادی - اجتماعی شمال و جنوب میان‌رودان در دوران مس - سنگی و مفرغ نیز در کتاب خالی است.

**کلیدواژه‌ها:** میان‌رودان، باستان‌شناسی، پیش از تاریخ، آسیای جنوب‌غربی.

---

\* استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه مازندران، r.abbasnejad@umz.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۰۱

## ۱. مقدمه

سرزمینی که در جغرافیای سیاسی امروز با نام عراق شناخته می‌شود در زمره یکی از مهم‌ترین بخش‌های منطقه آسیای جنوب غربی از دوران پیش از تاریخ تاکنون به حساب می‌آید. اصلی‌ترین خاستگاه طبیعی فرهنگ و تمدن سرزمین میان‌رودان همانند بسیاری از سرزمین‌های دیگر در جاری‌بودن جریان‌های مهم آبی ریشه دارد؛ دو رودخانه دجله و فرات. این سرزمین برخلاف نامش، که به‌ظاهر بین این دو رودخانه محدود می‌گردد، دارای ویژگی مهمی در زمینه نفوذ فرهنگ‌های پیش از تاریخی و تاریخی آن در گستره‌ای فراتر از مرزهای اسمی و طبیعی است. برهم‌کنش‌های فرهنگی و اجتماعی و ارتباطات تجاری میان‌رودان با سرزمین‌های هم‌جوار واقع در منطقه آسیای جنوب غربی اعم از فلات ایران، آناتولی، و لوانت از دیرباز جریان داشته است.

بررسی و تحلیل باستان‌شناسی پیش از تاریخ میان‌رودان بدون ارتباط با مناطق مذکور کاری دشوار و فاقد ارزش مندی و فایده کامل است. باستان‌شناسی پارینه‌سنگی میان‌رودان در ارتباط با زاگرس مرکزی ایران و کوه‌پایه‌های توروس در فلات آناتولی قابل فهم و باستان‌شناسی نوسنگی آن در رابطه تنگاتنگ با غرب ایران، جنوب آناتولی، و منطقه لوانت است (Bar-Yosef 2001; Bar-Yosef and Meadow 1995; Belfer-Cohen and Bar-Yosef 1983; Cauvin 2000; Wilkinson 2000; Braidwood et.al. 2000). بنابراین، پیش از تاریخ این سرزمین در کلیتی که شرق‌شناسان و باستان‌شناسان غربی از آن به‌نام خاورمیانه یا خاور نزدیک یاد می‌کنند و ما ترجیح می‌دهیم آن را منطقه آسیای جنوب غربی یا آسیای غربی بنامیم، قابل طرح و درک است.

ویژگی مهم دیگر میان‌رودان نقش شمال و جنوب آن در تکوین و توسعه فرهنگ‌های پیش از تاریخی و تمدن‌های آغاز تاریخی است. زمین‌ریخت‌شناسی و مسائل آب‌وهوایی این دو بخش در این مسئله بسیار اثرگذار بوده‌اند. نقشی که دو رودخانه دجله و فرات در شمال ایفا کرده‌اند بسیار متفاوت با نقشی است که در جنوب بازی کرده‌اند. همین ویژگی باعث شده است که هیچ سکونت بشری تا دوران متأخر پیش از تاریخ در جنوب شکل نگیرد و این منطقه از دوران عبید به بعد مورد توجه اجتماعات انسانی قرار گیرد (Hout 1989). از این زمان به بعد است که شمال و جنوب میان‌رودان مسیرهای نسبتاً متفاوتی را به‌لحاظ پیچیدگی‌ها و سازمان‌های اقتصادی و اجتماعی طی می‌کنند. نوشتن درباره پیش از تاریخ میان‌رودان بدون التفات به راه‌بردهای مذکور در بالا و عدم تجزیه و

تحلیل نظریات مطرح در زمینه دوران پارینه‌سنگی، نوسنگی شدن، آغاز تولید غذا و اهلی سازی در نقاط مختلف آسیای جنوب غربی کاری صرفاً توصیفی است و جامعیت محتوایی لازم را نخواهد داشت.

در مقاله حاضر تلاش شده است که کتاب موردنقد در چهارچوب رویکرد انتقادی دانشگاهی و در قالب راه‌بردهایی که در بالا از نظر گذشت، موردبررسی قرار گیرد. بنابراین، پس از بررسی و تحلیل شکلی کتاب براساس مؤلفه‌های جامعیت صوری، به نقد محتوایی اثر از نظر انسجام و نظم منطقی مطالب، میزان اعتبار و کفایت منابع مورد استفاده، پرسش‌محور بودن کتاب، توانایی نویسنده در تجزیه و تحلیل آرا و نظریات مطرح در زمینه پیش از تاریخ سرزمین میان‌رودان، میزان انطباق و جامعیت مطالب کتاب با محتوای موضوع پیش از تاریخ میان‌رودان، کیفیت آموزشی اثر و سرانجام، به تحلیل چهارچوب نظری و روش‌شناختی کتاب پرداخته شد.

## ۲. معرفی کلی کتاب

کتاب *باستان‌شناسی پیش از تاریخ بین‌النهرین* توسط حسن طلائی نگاشته شده و در سال ۱۳۹۰ توسط سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) در ۲۳۲ صفحه به‌همراه عکس و نقشه چاپ و منتشر گردیده است. چاپ چهارم این کتاب در سال ۱۳۹۴ صورت پذیرفته است. نویسنده کتاب مدرک کارشناسی خود را در سال ۱۳۵۲ در رشته باستان‌شناسی و تاریخ هنر دانشگاه تهران و مدارک تحصیلات تکمیلی را در دانشگاه منچستر انگلستان کسب کرده است. وی در سال ۱۳۶۳ با دفاع از رساله خویش با عنوان *عصر آهن ایران براساس یافته‌های باستان‌شناسی همتوان‌تپه در شمال غرب ایران*، موفق به کسب درجه دکترا گردید (Talai 1984). وی که از سال ۱۳۷۰ به کسوت عضو هیئت علمی دانشگاه درآمده، در حال حاضر استادتمام گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران است. اجرای حدود ده طرح پژوهشی، چاپ و ارائه ده‌ها مقاله در مجلات و همایش‌های معتبر داخلی و خارجی، و هم‌چنین، تألیف حدود ده کتاب، حاصل نیم قرن تلاش وی در زمینه باستان‌شناسی است. برخی از کتاب‌های طلائی عبارت‌اند از: *باستان‌شناسی و هنر هزاره اول پیش از میلاد ایران (۱۳۸۰)*، *عصر آهن ایران (۱۳۸۷)*، *عصر مفرغ ایران (۱۳۹۰)*، هشت هزار سال سفال ایران (۱۳۹۰)، *ایران پیش از تاریخ: عصر مس‌سنگی (۱۳۹۰)*، و *باستان‌شناسی پیش از تاریخ بین‌النهرین (۱۳۹۴)*. اغلب کتاب‌های وی توسط انتشارات

سمت چاپ و منتشر گردیده و بنابراین، هدف اصلی تألیف آن‌ها تأمین برخی از منابع درسی دانشجویان رشته باستان‌شناسی بوده است.

نویسنده در کتاب موردنقد حاضر، با نگارش یک پیش‌گفتار، به تدوین چهار فصل مبادرت کرده است. وی فصل اول را به دو بخش شامل باستان‌شناسی و جغرافیای بین‌النهرین اختصاص داده است. در بخش اول، ریشه تاریخی واژه بین‌النهرین را که به نوشته‌های مورخان یونان باستان برمی‌گردد مورد بررسی قرار داده و در ادامه، به بیان جلب توجه جهان‌گردان و ماجراجویان اروپایی پس از جنگ‌های صلیبی پرداخته است. طلائی در ادامه همین بخش درباره فعالیت‌های شبه‌باستان‌شناسی توسط اروپایی‌ها که از سده هجدهم آغاز گردید و تا ابتدای سده بیستم میلادی استمرار یافت، بحث کرده است. او این فعالیت‌ها را از لحاظ روش‌مندی به شدت غیرعلمی و از نظر هدف‌مندی در راستای کشف هرچه بیش‌تر اشیای نفیس و موزه‌ای و انتقال آن‌ها به موزه‌ها و مجموعه‌های اروپایی توصیف کرده است. به اعتقاد وی روند غارت بی‌امان میراث فرهنگی و باستانی این سرزمین تا سال ۱۹۲۰، زمان تصویب نخستین قانون عتیقه‌جات توسط دولت عراق، ادامه یافت و از آن پس، باستان‌شناسی علمی آغاز گردید. وی، در بخش دوم فصل اول، بین‌النهرین را به لحاظ شاخص‌های جغرافیایی به سه منطقه تقسیم کرده است: ۱. کوه‌پایه‌های زاگرس و توروس به ترتیب در شرق و شمال؛ ۲. سرزمین‌های میان دو رودخانه دجله و فرات در شمال، و ۳. منطقه جنوب بین‌النهرین.

طلائی در فصل دوم کتاب زیر عنوان پارینه‌سنگی بین‌النهرین، بحث‌های مفصل و مفیدی درباره وضعیت منطقه جنوب غرب آسیا در دوران پارینه‌سنگی و هم‌چنین، پارینه‌سنگی در زاگرس مرکزی انجام داده است. او در این فصل ضمن بیان مشکلاتی نظیر کمبود داده‌ها و عدم وفاق علمی باستان‌شناسان در استفاده از واژگان تخصصی دوران پارینه‌سنگی، تلاش کرده است که ارتباطات فرهنگی این دوران را که بین سرزمین میان‌رودان و سایر مناطق هم‌جوار برقرار بوده، مورد بررسی قرار دهد. موضوعاتی چون آغاز نوسنگی، سنت سفال‌گری سامرای و پیکرک‌های نوسنگی بین‌النهرین از بخش‌های فصل سوم کتاب هستند. وی مباحث دوران نوسنگی را در این فصل در چهارچوب روش محوطه‌محور مطرح کرده و کم‌تر به تحلیل چرایی و چگونگی رویدادهای این دوران مبادرت ورزیده است. نویسنده در فصل چهارم، دوران حلف و عبید را به ترتیب به عنوان مرحله‌های آغازین و ثانویه دوران مس‌سنگی در بین‌النهرین معرفی کرده و به بیان ویژگی‌های باستان‌شناختی آن دوره‌ها در محوطه‌های باستانی پرداخته است. شمال و

جنوب میان‌رودان از اواخر دوران حلف و در دوران عبید نقش متفاوتی در روند تحولات باستان‌شناسی ایفا می‌کنند. نویسندگان قدری به این مباحث التفات کرده است، ولی کافی نیست.

### ۳. نقد شکلی اثر

انتخاب عنوان کتاب به نام *باستان‌شناسی پیش از تاریخ بین‌النهرین* گزینش مطلوبی است؛ اما، در تعیین موضوع کتاب که با عنوان‌هایی نظیر *بین‌النهرین، تاریخ، باستان‌شناسی، و حفاری‌ها* در بخش شناسه مشخص گردیده، چنان‌چه واژه *پیش از تاریخ* نیز اضافه می‌گردید، کامل‌تر می‌شد. البته این درحالی است که انتخاب اصطلاح *تاریخ* در بخش موضوع کتاب جای تأمل دارد. از آنجایی که خود نویسنده در فصل اول بیان می‌دارد که برای بخش عمده‌ای از سرزمینی که امروزه عراق نامیده می‌شود؛ واژه‌های لاتین *مزوپوتامیا*، عربی *بین‌النهرین*، و فارسی *میان‌رودان* به کار می‌رود، شایسته بود که از واژه فارسی *میان‌رودان* در نام‌گذاری کتاب استفاده می‌شد. این انتخاب می‌توانست به رواج بیش‌تر این اصطلاح در میان فارسی‌زبان‌ها کمک کند.

معادل نام انگلیسی کتاب در روی جلد به صورت گرافیکی و در پشت آن نوشته شده است. از آنجایی که حتی یک چکیده یک‌صفحه‌ای به زبان انگلیسی در کتاب چاپ نشده، نیازی به انجام این کار نبوده است. بنابراین، ناشر می‌بایست چکیده‌ای از مطالب کتاب را به زبان انگلیسی چاپ می‌کرد.

در پیش‌گفتار، به ضرورت نگاشتن کتابی در زمینه پیش از تاریخ بین‌النهرین اشارت کوتاهی به عمل آمده است؛ ولی، نظر به اهمیت این سرزمین در منطقه آسیای جنوب غربی جا داشت که قدری بیش‌تر به این موضوع پرداخته می‌شد. در واقع، درباره مسائل یا انگیزه‌های مؤلف برای نگارش این کتاب و هم‌چنین ضرورت، اهمیت، و هدف انجام این کار و نیز جامعه مخاطب و مواردی از این دست، باید توضیح بیش‌تری در پیش‌گفتار یا مقدمه داده می‌شد. البته، در بخشی از پیش‌گفتار به دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد باستان‌شناسی به عنوان جامعه مخاطب اختصاصی کتاب و به علاقه‌مندان باستان‌شناسی به عنوان بهره‌گیران عام اشاره شده است. در ادامه بحث خواهیم دید که این کتاب برای مخاطبان عام و برای دانشجویان کارشناسی منبع مفیدی است؛ ولی، برای این‌که قابلیت استفاده بیش‌تر برای دانشجویان کارشناسی پیدا کند، به ارتقای بخشی و به‌روزشدن نیاز دارد.

معمولاً، معرفی شکلی و محتوایی کتاب و تشریح فصول آن یکی از هدف‌های مهم نگارش پیش‌گفتار در کتاب‌ها به‌شمار می‌آید. نویسنده در بیان کوتاهی به معرفی فصل‌های کتاب پرداخته است؛ ولی، این معرفی که در پیش‌گفتار آمده با متن تدوین‌شده در فصل‌ها سنخیت و ارتباط کامل ندارد. برای مثال می‌توان در مورد فصل اول اشاره کرد که نویسنده به «به‌هم‌تیندگی فرهنگ‌های پیش از تاریخ با جغرافیا و نیز پیشینه فعالیت‌های شبه‌باستان‌شناسی و باستان‌شناسی» در صفحه دو پیش‌گفتار اذعان می‌کند؛ ولی، مخاطب با مطالعه فصل اول نمی‌تواند به این جمع‌بندی دست یابد که مدنظر نویسنده بوده است. نویسنده هم‌چنین می‌گوید که در فصل‌های دوم و سوم به بررسی دوران‌های پارینه‌سنگی و نوسنگی و به موضوع شکل‌گیری و گسترش فرهنگ‌های این دوره‌ها در کوه‌پایه‌های شمال شرقی بین‌النهرین و در ارتباط تنگاتنگ با کوه‌پایه‌های غربی زاگرس مرکزی ایران و بدون ارتباط با بین‌النهرین جلگه‌ای خواهد پرداخت؛ اما، خواننده با مطالعه این فصول درمی‌یابد که این موضوع کم‌تر مورد التفات قرار گرفته و نویسنده می‌بایست رویکرد تحلیلی بیش‌تری درباره وابستگی‌ها و برهم‌کنش‌های فرهنگی این دو منطقه ارائه می‌کرد. از آن‌جایی که نویسنده اذعان به بررسی مسئله به‌هم‌تیندگی فرهنگ‌های پیش از تاریخ با جغرافیای شمال و شمال شرقی بین‌النهرین کرده است، انتظار می‌رود که مباحث دقیق و گسترده‌تری درباره عوامل و مؤلفه‌های تأثیرگذار طبیعی و جغرافیایی و بررسی نقش آن‌ها در شکل‌گیری و توسعه فرهنگ‌های پارینه‌سنگی و نوسنگی مطرح می‌کرد.

جغرافیا و بوم‌شناسی میان‌رودان و مناطق هم‌جوار موضوع بسیار مهمی است. نویسنده تقسیم‌بندی‌ای جغرافیایی از آن ارائه داده و آن را به سه منطقه تقسیم کرده است؛ البته، هیچ منبعی را مورد ارجاع قرار نداده و از اقلیم و بوم دوران پیش از تاریخ نیز هیچ بحثی به میان نیاورده است. نویسنده در فصل اول و در بخش جغرافیا، به چند نکته مهم درباره تأثیر رودخانه‌های دجله و فرات به‌ویژه بر میان‌رودان جنوبی اشاره کرده است که در جای خود مفید و مؤثرند؛ اما، درباره طغیان‌های شدید و غیرقابل پیش‌بینی رودخانه‌های دجله و فرات، تغییر مسیر آن‌ها، و در نتیجه باتلاقی شدن یا خشک و بی‌آب شدن زمین‌های جنوب میان‌رودان بحثی نکرده است. ساکنان میان‌رودان جنوبی برای مقاصد آبیاری و جلوگیری از مردابی شدن برخی زمین‌ها مبادرت به کانال‌کشی و زه‌کشی کرده‌اند. این موضوع در مسکون‌شدن و تحول در اوضاع اقتصادی و اجتماعی جنوب میان‌رودان در دوران متأخر پیش از تاریخ به بعد بسیار مهم و شاید اصلی‌ترین دلیل بوده است (مجیدزاده ۱۳۷۶: ۱۳).

هریک از فصل‌های کتاب دارای بخش‌های فاقد شماره‌گذاری هستند. چنان‌چه مباحث کتاب با عنوان‌بندی و شماره‌گذاری مشخص می‌گردیدند، اثرگذاری کتاب به‌ویژه از منظر آموزشی بیش‌تر می‌شد. مباحث مهمی در هر فصل از کتاب ارائه گردید که شایسته بود ذیل عنوان مستقلاً تدوین می‌شدند. برای روشن‌شدن مطلب، به دو مثال اکتفا می‌گردد. اول آن‌که ارائه مطالب بسیار زیاد درخصوص باستان‌شناسی بین‌النهرین تنها زیر عنوان یگانۀ باستان‌شناسی خسته‌کننده است؛ افزون‌برآن، مطالب متعدد و متنوعی در این بخش قید گردیده که بخش‌بندی‌های بیش‌تر و عنوان‌بندی آن‌ها را الزامی می‌سازد. دوم آن‌که فصل سوم که به نوسنگی بین‌النهرین اختصاص پیدا کرده به چهار بخش تقسیم شده است: آغاز نوسنگی، سنت سفال‌گری سامرایی، پیکرک‌های نوسنگی بین‌النهرین، و نتیجه و بحث. این عناوین به‌عنوان پیشانی فصل نوسنگی بین‌النهرین محسوب می‌گردند؛ ولی، گویای تمامی مباحث نوسنگی نیستند. این درحالی است که نویسنده مطالب مفید و مهمی را درخصوص دوران نوسنگی مطرح کرده است. سایر فصول نیز از این نظر دارای شرایط مشابهی هستند. اصول کلی ارجاع‌دهی درون‌متنی رعایت شده است. اصول علمی در تدوین کتاب‌نامه نیز به‌خوبی رعایت شده است. قطع کتاب مناسب است؛ نوع قلم و اندازه آن مطلوب است؛ طراحی جلد و صحافی کتاب عالی است؛ اما، در روی جلد کتاب تصویری از ظرفی سفالی طراحی شده است که ضرورت داشت توضیح کوتاهی در صفحه اول کتاب درباره شناس‌نامه آن ارائه می‌شد. البته، نویسنده یا ناشر می‌توانستند از خیل موضوعات متنوع پیش از تاریخ میان‌رودان تصاویر مناسب‌تری را انتخاب کنند که طبعاً بهتر نمایان‌گر پیش از تاریخ این سرزمین هستند. کیفیت عکس‌ها و نقشه‌های آن نسبتاً مطلوب است. صفحه‌آرایی و صفحه‌بندی کتاب نیز مناسب است. نقشه‌ها، عکس‌ها، طرح‌ها، و نقاشی‌های زیادی در کتاب چاپ شده‌اند که در زیرنویس آن‌ها به هیچ‌گونه مرجعی ارجاع داده نشده است. از آن‌جایی که این کتاب به‌منظور اهداف آموزشی تألیف شده است، بهتر بود که این رویه از سوی نگارنده رعایت می‌شد. مشکلات دستوری و اشتباه‌های املائی خاصی در کتاب مشاهده نمی‌شود. متن کتاب از شیوایی و روانی خوبی برخوردار است.

#### ۴. نقد محتوایی کتاب

##### ۱.۴ انسجام و نظم منطقی اثر

همان‌طوری که پیش از این از نظر گذشت، کتاب می‌توانست از فصل‌بندی مناسب‌تری برخوردار باشد. نویسنده در پیش‌گفتار به هدف‌مندی مشخصی اشاره می‌کند؛ اما، خواننده

متوجه آن نمی‌گردد. باوجوداین، تاندازه‌ای نظم منطقی و انسجام نسبی‌ای در کتاب دیده می‌شود که حاصل تسلط و تجربه شخصی نویسنده است. البته، انتظار می‌رود که در یک کتاب تخصصی شاهد انتظام و انسجام بیش‌تری باشیم. از آنجایی که کتاب عمدتاً برای دانشجویان باستان‌شناسی تدوین گردیده است، شایسته بود که بررسی وضعیت باستان‌شناسی میان‌رودان در فصل اول براساس چند مرحله صورت می‌پذیرفت. هرچند که اکثر مطالب این بخش به ذکر نام محوطه‌ها، نام حفار، و سال حفاری اختصاص یافته و تحلیل خاصی صورت نپذیرفته است، درعین حال تاریخچه مطلوبی از وضعیت باستان‌شناسی این سرزمین مورد تدوین قرار گرفته است. از آنجایی که روند تحولات باستان‌شناسی میان‌رودان به صورت تطوری و در چهارچوب تحولات باستان‌شناسی دنیا و در قالب عناوین مشخصی بررسی نشد، تداخل در مباحث به وجود آمد و تحلیل خاصی از وضعیت باستان‌شناسی میان‌رودان ارائه نشد. در این بخش به دلیل موضوع کتاب، می‌بایستی التفات بیش‌تری به تحولات و تاریخچه باستان‌شناسی پیش از تاریخ این سرزمین به عمل می‌آمد.

از آنجایی که نویسنده چهارچوب مشخصی برای دوره‌بندی دوران نوسنگی استفاده نکرده است، لذا درک دوره‌ها و تحولات آن‌ها برای مخاطب مشکل است. برای مثال، دوران فراپارینه‌سنگی، آغاز نوسنگی و نوسنگی مناطق لوانت و میان‌رودان از دهه ۱۹۹۰ میلادی به بعد مورد مطالعات دقیق و تقسیم‌بندی‌های جزئی قرار گرفت (Twiss 2007; Aurenche et.al. 2001; Asouti 2007; Simmons 2011) که اغلب پژوهش‌گران آن‌ها را موردارجاع قرار می‌دهند. تقسیم هر یک از دوره‌های فراپارینه‌سنگی (epipalaeolithic)، نوسنگی پیش از سفال (pre-pottery neolithic)، و نوسنگی با سفال (pottery neolithic) به سه مرحله قدیم، میانه، و جدید و تشریح تحولات هر یک از این مراحل، صورت‌بندی مطلوبی از نوسنگی شدن در منطقه آسیای جنوب غربی است که استفاده‌ای از آن در کتاب نشده است. در مبحث پارینه‌سنگی نیز مطالبی کلی تدوین شده است. لایه‌نگاری، گاه‌نگاری، و معرفی ابزارهای شاخص و داده‌های غارها و محوطه‌های این دوران از جمله غار شنیدار می‌بایستی به طور دقیق‌تر تشریح می‌شدند.

## ۲.۴ ارزیابی منابع و ارجاع‌دهی

نویسنده از منابع خوب و قابل توجهی در تدوین کتاب بهره‌برداری کرده است. البته، ذکر دو نکته در این زمینه ضروری است. اول آن که اکثر منابع استفاده‌شده از نظر تاریخ انتشار تا دهه



۱۹۸۰ و تعدادی هم تا دهه ۱۹۹۰ را در بر می‌گیرند. تعداد منابع ارجاع داده‌شده مربوط به سال‌های ۲۰۰۰ انگشت‌شمارند. باوجود استفاده از منابع متعدد و متنوع، به‌رحال جای خالی منابع جدید محسوس و مشهود است. به برخی از موضوعات در بعضی از بخش‌های کتاب، ارجاعات بسیار زیادی داده شده و درمقابل به برخی از موضوعات هیچ ارجاعی داده نشده است؛ برای مثال در صفحه ۱۷، تنها درباره یک محوطه (نیم‌رود)، به ۵۱ منبع ارجاع داده شده است. این درحالی است که برخی از بخش‌های مهم کتاب بدون ارجاع باقی مانده است. به‌عنوان مثالی دیگر می‌توان به مطالب و اشکال مندرج در صفحات ۲۰۱ تا ۲۲۱، که مباحث مهم و مفیدی را درباره فرهنگ عبید و محوطه کلیدی تپه گارا مطرح می‌کند، اشاره داشت که فاقد ارجاع لازم هستند.

#### ۳.۴ پرسش محوری، تجزیه و تحلیل و نقد نظریات علمی دیگر توسط نویسنده

در کتاب باستان‌شناسی پیش از تاریخ بین‌النهرین، مواردی چون نقد علمی نظریات باستان‌شناختی مطرح درباره فرهنگ‌های پیش از تاریخ سرزمین میان‌رودان مشاهده نمی‌شود. همان‌طوری که در جای دیگر توضیح داده شد، باستان‌شناسی پیش از تاریخ میان‌رودان به‌طور جدی تحت تأثیر پژوهش‌های پیش از تاریخ منطقه آسیای جنوب غربی، آناتولی، زاگرس مرکزی، و لوانت است. مباحث مرتبط با آغاز تولید غذا و یک‌جانشینی در هلال حاصل‌خیزی از موضوعات مهم و اصلی درباره پیش از تاریخ میان‌رودان به‌شمار می‌رود. نویسنده فقط به ذکر نکات کلی در این‌باره که خواننده می‌تواند آن‌ها را در هر جای دیگری بیابد، قناعت کرده و هیچ‌گونه تحلیلی در این خصوص ارائه نکرده است. وی در فصل سوم و در صفحه ۹۹، تئوری‌های آغاز تولید غذا، آغاز نوسنگی و یک‌جانشینی را مطرح کرده است. بیان این نظریات به‌جا و شایسته است و به درک بهتر مباحث مرتبط در خصوص محوطه‌های پیش از تاریخی میان‌رودان کمک می‌کنند؛ اما، وی تنها به ارائه توضیح کوتاهی درباره نظریه واحه‌های (oasis hypothesis) گوردون چایلند و فرضیه منطقه هسته‌ای (nuclear zoner theory) رابرت بریدوود مبادرت ورزیده و درمورد دو نظریه توازن جمعیتی (equilibrium theory) لوئیس بینفورد و طیف وسیع اقتصادی (broad spectrum economy) کنت فلائری، فقط به ذکر نام آن‌ها بسنده کرده است. نویسنده می‌بایست نظریات پیش‌تری را که در این زمینه وجود دارند مطرح می‌نمودند و البته توضیح در خصوص آن‌ها به‌صورت دقیق‌تر انجام می‌دادند. اساساً این مباحث بهتر بود در چهارچوب دو دسته کلی یعنی

نظریات رانشی یا فشاری (push theories) و نظریات کششی (pull theories) بیان می‌شدند و مصادیق آن‌ها مورد بحث قرار می‌گرفت (Bogucki 1999) تا جنبه آموزشی کتاب ارتقا یابد. یکی از تئوری‌های مهم و جدید در این زمینه نظریه اقلیمی دریاس جوان (Younger Dryas) و تأثیر این پدیده روی یک‌جانشینی و آغاز کشاورزی است (Moore and Hillman 1992; Bar-Yosef and Meadow 1995; Bottema 1995; Grosman and Belfer-Cohen 2002) که مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. نظریه اقلیمی دیگری به نام فشار فصلی (seasonal stress) مطرح شده که برهم‌زمانی سه عامل اقلیم، یک‌جانشینی و گیاهان مستعد اهلی شدن، که تحت تأثیر نوسانات دمایی فصلی اقلیم مدیترانه‌ای شکل گرفتند، تأکید دارد (McCorriston and Hole 1991; Wright 1993).

در فصل سوم، بحث در مورد آغاز نوسنگی و نوسنگی به صورت محوطه‌محور مطرح گردیده و یافته‌های مکشوف از محوطه‌ها معرفی شده‌اند. البته، تحلیل‌هایی نیز در این زمینه صورت پذیرفته است؛ اما، شایسته بود که نویسنده مبادرت به معرفی شاخص‌های آغاز نوسنگی و نوسنگی می‌کردند و سپس، به تحلیل نقش محوطه‌ها براساس آن شاخص‌ها می‌پرداختند. در صفحه ۱۵۹، موضوع پیکرک‌های پیش از تاریخ میان‌رودان مطرح شده است. این مقوله از مباحث خیلی مهم و درعین حال، بسیار گسترده در باستان‌شناسی پیش از تاریخ این منطقه است که به شایستگی توسط نویسنده مطرح گردیده است. اما، در دوران نوسنگی میان‌رودان اشیای مهم دیگری نیز یافت شده‌اند که بدان‌ها پرداخته نشده است. برای مثال، شمار زیادی اشیای شمارشی به دست آمده که از اهمیت زیادی در تحلیل وضعیت اجتماعی و اقتصادی جوامع نوسنگی برخوردارند؛ که در کتاب توجهی به آن‌ها نشده است. نویسنده در صفحه ۱۶۶، به موضوع تفاوت‌های گاه‌نگاری دو سوی زاگرس یعنی جناح شرقی (زاگرس میانی و غرب ایران) و جناح غربی (شمال شرقی سرزمین بین‌النهرین) اشاره می‌کند. البته، وی خیلی گذرا این موضوع را مطرح و زود از آن عبور می‌کند. درحالی‌که می‌بایست به مباحثی چون گاه‌نگاری لوانت در دوران نوسنگی و برهم‌کنش‌های آن منطقه با میان‌رودان می‌پرداخت.

باستان‌شناسی دوران گذار از نوسنگی به مس‌سنگی و هم‌چنین، دوران مس‌سنگی میان‌رودان، در فصل پایانی کتاب و از صفحه ۱۷۱ به بعد مطرح شده است. نویسنده با ارجاعاتی که می‌دهد، دوره زمانی محاسبه‌شده برای کل دوران مس‌سنگی را بین سال‌های ۵۰۰۰ تا ۴۰۰۰ پ. م. که شامل دوره حلف (مس‌سنگی اولیه) و دوره عیبید (مس‌سنگی

ثانویه) است، معرفی می‌کند. در پژوهش‌های گاه‌نگاری محوطه‌های شمال و جنوب میان‌رودان در این بازه زمانی، اشتباهات و تناقضاتی وجود دارد که نویسنده به خوبی به آن‌ها اشاره می‌کند؛ ولی، مطلب مهمی که توسط وی می‌بایست مورد بحث و تحلیل قرار می‌گرفت، گاه‌نگاری تل‌الاولی به‌عنوان قدیمی‌ترین استقرار عبید در جنوب میان‌رودان است. در صورتی که به این گاه‌نگاری با وجود چالش‌ها و مناقشاتی که به وجود می‌آورد و سال‌های ۵۵۰۰ تا ۴۰۰۰ پ. م. را مورد توجه قرار می‌دهد (Huot 1992). متمرکز شویم، ضرورت تحقیق و تدقیق روی تاریخ‌گذاری دوران مس‌سنگی میان‌رودان (شامل دوره‌های حلف و عبید) در بازه زمانی ۵۰۰۰ تا ۴۰۰۰ کاملاً احساس می‌گردد. در این جا به اعتقاد نگارنده نقد حاضر، نویسنده کتاب می‌بایست مبحثی در ارتباط با وضعیت پیچیدگی‌های اقتصادی - اجتماعی شمال و جنوب میان‌رودان در این دوران انتقالی می‌گشود. فرهنگ حلف در شمال عراق، جنوب آناتولی و شرق سوریه در دره رود خابور گسترش داشته است. حلفی‌ها سازمان اجتماعی مبتنی بر تشکیلات عشیره‌ای داشتند. این تشکیلات دارای خاستگاه زندگی شبانی متحرک ایلاتی (pastoral nomadism) بوده است؛ موضوعی که در این دوره در منطقه آسیای جنوب غربی مورد شناسایی و مطالعه قرار گرفته است (Watson and LeBlanc 1990; Schwartz 1995). نباتات در این دوره به‌شیوه کشاورزی دیم تولید شده‌اند؛ چراکه، محوطه‌های حلفی در مناطقی واقع هستند که امکان کشاورزی به‌روش دیم در زمین‌های پیرامون آن‌ها وجود داشته است. این مناطق دارای مراتع و مرغزارهای فراوانی بوده‌اند. چنین جامعه‌ای به سازمان اجتماعی و سیاسی نیاز ندارد. این نظر را ابتدا فرانک هول در سال ۱۹۷۸ برای فرهنگ‌های پیش از شهرنشینی در غرب و جنوب غرب ایران مطرح کرد (Hole 1978). درمقابل، جنوب میان‌رودان، به‌دلیل مردابی و باتلاقی بودن و کمبود زمین‌های قابل کشاورزی از راه آبیاری نیازمند به سازمانی اجتماعی و سیاسی بوده است. در چنین شرایطی بوده است که هم‌زمان با اوج فرهنگ حلف فرهنگ دیگری به‌نام عبید در جنوب در حال تکوین بود که سرانجام جای‌گزین فرهنگ حلف شد. فرهنگ عبید در شمال در تپه گارا، تکوین و توسعه یافت.

باستان‌شناسان دوران عبید را به پنج دوره کوچک‌تر تقسیم کرده و ویژگی‌های هر یک از این دوره‌های فرعی را بادقت تشریح کرده‌اند. نویسنده از صفحه ۱۹۸ به بعد، به شرح کلی ویژگی‌های دوران عبید بسنده کرده و به تحلیل تطوری و تحولی رویدادهای این دوره که مقدمه‌ای بر آغاز شهرنشینی و آغاز نگارش و شمارش در سرزمین میان‌رودان بوده، نپرداخته

است. جوامع پیش از تاریخ شمال و جنوب میان‌رودان در دوران عبید دارای تفاوت‌های بسیار زیادی بوده‌اند. اساساً شمال و جنوب مسیرهای متفاوتی را در این دوره طی کرده‌اند. گوناگونی شاخص‌های دوران عبید در دو محوطه کلیدی اریدو در جنوب و گارا در شمال دلیلی بر این ادعاست. بخش مهمی از آگاهی‌های ما از معماری مذهبی دوران عبید مبتنی بر کاوش‌ها و یافته‌های اریدو در جنوب است. نویسنده کتاب می‌بایست به‌طور ویژه به کشفیات باستان‌شناسی این محوطه مهم می‌پرداخت؛ اما، تنها به ارائه گزارشی کلی از برخی یافته‌های قبور آن اکتفا کرده است.

نویسنده کتاب حداکثر تلاش خود را در زمینه رعایت اصول و اخلاق علمی در استفاده از زبان علمی و ذکر منابع به‌کار گرفته است. همان‌طوری‌که پیش از این گفته شد، تحلیل‌ها و سوگیری‌های علمی نویسنده در کتاب زیاد آشکار نیست تا بتوان نقدی بر آن نوشت. وی در سراسر کتاب به‌ویژه در فصل اول در ذکر مطالعات باستان‌شناسی میان‌رودان از دیرباز تاکنون، مطالبی را عنوان کرد که کاملاً درست است؛ اما، برای خواننده قدری تکراری است. استفاده از واژه‌هایی چون شبه‌باستان‌شناسی، شبه‌باستان‌شناسان، عتیقه‌جویان، عتیقه‌جویان حرفه‌ای، عتیقه‌بازان، عتیقه‌جویی، غارت‌گران میراث فرهنگی، و غارت، تخریب و پیران‌گری میراث فرهنگی و مواردی از این قبیل در همین راستا قابل تحلیل هستند.

#### ۴.۴ انطباق و جامعیت موضوعی و محتوایی کتاب

از آنجایی که انتشارات سمت وظیفه تولید و نشر متون و کتاب‌های درسی دانشگاهی را برعهده دارد و نویسنده کتاب نیز هدف از تألیف کتاب را تأمین منابع درسی دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد باستان‌شناسی اعلام می‌دارد، لذا میزان جامعیت کتاب با توجه به اهداف و سرفصل‌های درس باستان‌شناسی پیش از تاریخ بین‌النهرین مصوب شورای برنامه‌ریزی درسی وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری قابل بررسی و نقد است. کتاب حاضر بخش اعظم اهداف و سرفصل‌های درس مذکور را در دوره کارشناسی تأمین می‌کند و چنانچه پیش‌نهاداتی که نگارنده این نقد ارائه کرده است عملی گردد، می‌توان شاهد ارتقای قابلیت آموزشی کتاب برای دوره کارشناسی و بهره‌برداری آن توسط دانشجویان کارشناسی ارشد بود. همان‌طور که پیش از این توضیح داده شد، محتوای کتاب دارای انطباق کامل با فهرست مطالب مطرح‌شده نیست. مطالب مفید و زیادی در کتاب مطرح گردیده که هیچ‌گونه بازتابی در فهرست مطالب ندارند.

#### ۵.۴ به کارگیری ابزارهای علمی

تصویرها و نقشه‌هایی که در کتاب مورد استفاده قرار گرفته‌اند از کیفیت نسبی برخوردارند. بنابراین، به‌طور نسبی به‌عنوان ابزار علمی مناسب قابل بهره‌برداری هستند. البته از نقشه‌های جغرافیایی، زمین‌شناسی، و توپوگرافیکی استفاده نشده است. کاربرد این نقشه‌ها در متون باستان‌شناسی فایده بیشتری دارد. در کتاب، اغلب از طرح ابزارها و سفال‌ها و پلان معماری‌های مکشوفه به‌عنوان اشکال ارجاع داده شده است. در متون آموزشی علاوه‌براین اشکال چنان‌چه از عکس دست‌ساخته‌ها، ابزارهای سنگی، سفال، و نظایر آن بهره‌برداری شود، کارآمدی بهتر و بیشتری را می‌توان ملاحظه کرد. گاهی اوقات مشاهده می‌شود که تصاویر و اشکال متنوع و زیادی از ابزارها و سفال‌های یک محوطه ارائه گردیده و درمقابل، هیچ شکلی از محوطه‌های حتی مهم دیگر، نمایش داده نشده است. از جدول‌های گاه‌نگاری و نمودارهای مشابه که ابزارهای علمی مناسبی محسوب می‌گردند، در این کتاب استفاده‌ای به‌عمل نیامده است.

#### ۶.۴ استفاده از اصطلاحات تخصصی

درباره بهره‌گیری از واژه‌های تخصصی نیز مواردی در کتاب مشاهده می‌گردد که در جای خود واجد ارزش هستند. نویسندگان در فصل اول و دقیقاً در صفحه ۲۹، بحث خوبی را درخصوص حدود و مرزهای فرهنگی سرزمین بین‌النهرین گشود و به‌دلیل آن‌که سرزمین‌های خارج از محدوده دو رود بزرگ دجله و فرات نیز در محدوده فرهنگ باستان‌شناختی این سرزمین قرار می‌گیرند، از واژه *بین‌النهرین بزرگ* استفاده کرده است. البته، این موضوع به بحث و تحلیل بیشتری نیاز داشت که نویسندگان از انجام آن خودداری کرده است.

واژه‌های تخصصی و نام کسان و مکان‌های زیادی در کتاب مورد استفاده قرار گرفته است. این اصطلاحات هم به ارائه تلفظ درست و هم تعریف کوتاه نیاز دارند. چنان‌چه در انتهای کتاب پیوسته‌هایی برای ارائه این واژه‌ها و نام‌های اختصاصی در چهارچوب واژه‌نامه‌ها تنظیم می‌شد، قابلیت استفاده بیشتر و بهتری می‌یافتند. در پانوشته نیز به‌ندرت با این وضعیت روبه‌رو می‌شویم. در چند جای کتاب مثلاً صفحه ۵۳، به اشتباه از اصطلاح سانتی‌متر مربع به‌جای سانتی‌متر مکعب که واحد سنجش حجم مغز انسان است، استفاده شده است. نویسندگان واژه‌های آسیای جنوب غربی، آسیای غربی، خاورمیانه، و خاور نزدیک را در بخش‌های مختلف کتاب به‌کار برده است؛ اگر به‌صورت مشخص از یک یا حداکثر دو واژه و ترجیحاً از اصطلاح آسیای جنوب غربی استفاده می‌نمود، بهتر بود.

#### ۷.۴ کاربرد آموزشی کتاب

درخصوص باستان‌شناسی پیش از تاریخ میان‌رودان تاکنون کتاب‌های انگشت‌شماری به فارسی چاپ و منتشر گردیده است (مجیدزاده ۱۳۷۶؛ ملک شه‌میرزادی ۱۳۹۰؛ ماتیوز ۱۳۹۱). غیر از کتاب *باستان‌شناسی بین‌النهرین: نظریات و رهیافت‌ها* که برگردان فارسی کتاب *The Archaeology of Mesopotamia: Theories and Approaches* است و جنبه تحلیلی دارد، سایر کتاب‌ها نظیر کتاب حاضر، دارای جنبه توصیفی هستند. دانشجویان کارشناسی و علاقه‌مندان باستان‌شناسی می‌توانند از اطلاعات توصیفی این کتاب بهره‌مند شوند. اگرچه اطلاعات ارائه‌شده دارای جامعیت نیستند ولی، در چهارچوب یک برنامه درسی و آموزشی نسبتاً منظم قابل استفاده هستند. این کتاب اهداف سرفصل‌های درسی باستان‌شناسی در مقطع کارشناسی را تأمین می‌کند. چنان‌چه از زیرفصل‌ها و بخش‌های پیش‌تر و کامل‌تری تشکیل می‌شد، قابلیت استفاده بیش‌تری پیدا می‌کرد. کتاب حاضر برای این‌که مورد استفاده مطلوب دانشجویان کارشناسی ارشد قرار بگیرد، باید وارد مباحث تحلیلی‌تری شود. امروزه، در سرفصل‌های جدید درسی، دیگر جنبه‌های جوامع پیش از تاریخ از جمله سازمان‌های اقتصادی و اجتماعی، خوراک، روابط محوطه‌ها، برهم‌کنش‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، تعاملات زیست‌محیطی و نظایر آن که جذابیت بیش‌تری برای دانشجویان دارند، مطرح می‌گردند که جای این‌گونه مباحث در این کتاب خالی است.

#### ۵. نقد و تحلیل روش‌شناختی

نویسنده در پیش‌گفتار و در چهار فصل کتاب به اهمیت نگارش این کتاب در زمینه پیش از تاریخ میان‌رودان اشاره کرده است. کتاب شامل اطلاعات توصیفی البته دقیق درباره دوره‌های پیش از تاریخ سرزمین میان‌رودان است. از آن‌جایی که پرسش یا پرسش‌های خاصی درخصوص چرایی طرح این مطالب مطرح نگردیده و تفسیر و تحلیل باستان‌شناختی درباره آن‌ها صورت نپذیرفته است؛ لذا، خواننده با حجم عظیمی از اطلاعات مشابه و خسته‌کننده روبه‌رو می‌شود.

موضوع برهم‌کنش‌های فرهنگی پیش از تاریخ زاگرس مرکزی ایران و شمال شرقی عراق که از مسائل اصلی مطرح‌شده توسط نگارنده در پیش‌گفتار کتاب است، بدون تحلیل و مباحثه باقی گذاشته شده است. باستان‌شناسان مباحث مهمی را در این زمینه گشوده‌اند (Asouti 2004; Asouti 2007; Kozłowski and Aurenche 2005). از نظر مسئله‌محوری در

باستان‌شناسی پیش از تاریخ میان‌رودان، در واقع، دو راه‌برد اصلی وجود دارد (ماتیوز ۱۳۹۱: ۲۳-۳۲): راه‌برد اول برمبنای رهیافت تاریخ فرهنگی است: در باستان‌شناسی میان‌رودان، حجم کار زیاد و گستردگی فعالیت‌های میدانی و انباشت لایه‌ها و تعدد و تنوع آثار باستانی باعث کم‌توجهی به باستان‌شناسی نظری در این کشور شده بود. در باستان‌شناسی میان‌رودان کلیت‌های فرهنگی در قالب دوره‌هایی نظیر حسونا، سامرا، حلف، عیید، اوروک، و جممدت نصر مطرح هستند که بحث درخصوص ماهیت آن‌ها ضرورتاً در چهارچوب مکتب تاریخ فرهنگی صورت می‌پذیرد. در باستان‌شناسی میان‌رودان درخصوص این دوره‌ها این پرسش‌ها طرح می‌گردد: تعریف و توصیف هریک از دوره‌ها چگونه انجام می‌گیرد؟ نخستین بار یک فرهنگ متعلق به هریک از این دوره‌ها کجا شکل گرفته است؟ این فرهنگ چه زمانی و کجا و چگونه از بین رفته است؟ در این نوع باستان‌شناسی فرهنگ‌های گذشته از راه بررسی سبک‌های مختلف سفال، ابزارهای سنگی، الگوهای استقرار، و سنت‌های تدفین موردبررسی و مطالعه قرار می‌گیرند که در میان‌رودان از این دست مطالعات زیاد انجام شده است.

راه‌برد دوم بر پایه باستان‌شناسی انسان‌شناختی است: این رهیافت در باستان‌شناسی میان‌رودان از اواخر دهه ۱۹۴۰ م به‌ویژه دهه ۱۹۵۰ م به‌وجود آمد. ویژگی فرهنگ‌های پیش از تاریخی میان‌رودان از نظر گستره جغرافیایی و سنت‌های تکنولوژیکی به‌گونه‌ای است که پرسش‌های باستان‌شناختی در چهارچوب مکتب تاریخ فرهنگی طرح می‌گردد، ولی با روش‌های انسان‌شناختی جست‌وجو می‌شود. برنامه پژوهش‌های ترکیبی و چندجانبه رابرت بریدوود از دانشگاه شیکاگو در دهه ۱۹۵۰ م در هلال حاصل‌خیزی و مشخصاً در جارمو برای شناخت اقتصاد و محیط زیست باستانی و آغاز استقرار در دهکده‌ها و شروع معماری، یکی از پژوهش‌های شاخص در این زمینه است. هدف‌مندی و روش‌مندی پژوهش‌های بریدوود به‌صورت زیر بوده است: طرح پرسش‌های کلی درخصوص پیدایش و روند یک‌جانشینی، خاستگاه کشاورزی و دام‌داری و تکامل جوامع پیچیده که در باستان‌شناسی تاریخ فرهنگی متداول است. بهره‌گیری از مطالعه دانه‌های گیاهی، استخوان‌ها و بازسازی محیط زیست گذشته براساس آن‌چه در باستان‌شناسی نو مطرح است، برای رسیدن به پاسخ آن پرسش‌های کلی. نویسنده کتاب حاضر، در راستای راه‌برد اول در نگارش کتاب پیش‌رفته و از هدف‌مندی‌ها و روش‌مندی‌های باستان‌شناسی انسان‌شناختی بهره کم‌تری برده است.

نویسنده در فصل دوم (پارینه‌سنگی بین‌النهرین) به بیان مطالبی درخصوص انواع گونه‌های انسانی پرداخته که البته جنبه آموزشی مطلوبی دارند؛ اما، چنان‌چه مقدمه کامل‌تری

در مورد پارینه‌سنگی و انسان‌های این دوران در جهان و منطقه آسیای جنوب غربی ارائه می‌گردید و بیش‌ترین تکیه هم روی آناتولی جنوبی، جناح غربی زاگرس مرکزی و لوانت صورت می‌پذیرفت، فایده بیش‌تری داشت. ضمناً، از نظریه مهم خروج انسان از آفریقا که سرزمین میان‌رودان نقش مهمی در این فرایند داشته نیز ذکری به میان نیامده است. در همین بخش، مطالب طولانی درباره صنایع پارینه‌سنگی، که اغلب بدون ارجاع هستند، ارائه گردیده است. این مطالب ارتباط مستقیمی با موضوعات پارینه‌سنگی سرزمین میان‌رودان ندارند.

با وجود آن‌که نوسنگی شدن یکی از مسائل علمی مهم در باستان‌شناسی میان‌رودان است؛ نویسنده اشاره‌ای به این موضوع کلیدی و محوری نداشته است. باستان‌شناسان، در این زمینه پژوهش‌های مهمی انجام داده‌اند ( Bar-Yosef 1981, 1996, 2002; Bar-Yosef and Meadow 1995; Rollefson and Gebel 2004; Aurenche et.al. 2001). سازمان اجتماعی و اقتصادی در دوران نوسنگی از دیگر مسائل مهم در باستان‌شناسی آسیای جنوب غربی و میان‌رودان است که حوزه مطالعات بسیاری از پژوهش‌گران است ( Byrd 2000; Rollefson 1994; Zeder 2000) که نویسنده وارد مباحث تحلیلی در این باره نشده است.

باستان‌شناسان طبقه‌بندی‌های مشخصی روی ابزارهای سنگی و سفال‌های پیش از تاریخ میان‌رودان به عمل آورده‌اند. از آنجایی که کتاب فاقد عنوان‌بندی‌های خردتری در قالب زیرفصل‌ها و زیربخش‌ها است، خواننده در درک این طبقه‌بندی‌ها که ارزش آموزشی قابل توجهی دارند، با مشکل روبه‌رو می‌گردد. برای مثال، سیر تطور دوران نوسنگی با سفال میان‌رودان توسط باستان‌شناسان به‌خوبی مطالعه شده و ویژگی‌های فنی، زیبایی‌شناختی و شکلی سفال‌ها در هر دوره‌ای مشخص گردیده است؛ اما، دانشجو با مطالعه این کتاب نمی‌تواند به‌آسانی به مختصات سفال‌های دوران حسونا، سامرا، حلف، و غیره پی‌ببرد. همین مسئله در مورد ابزارهای سنگی و سایر یافته‌ها نیز قابل مشاهده است.

## ۶. نتیجه‌گیری

معرفی شکلی و محتوایی کتاب و هم‌چنین انگیزه‌های نگارش آن از مهم‌ترین موارد شکلی هر کتاب تألیفی است. این معرفی در کتاب حاضر می‌بایست توسط نویسنده به‌صورت مطلوب‌تر و کامل‌تری در پیش‌گفتار صورت می‌پذیرفت. از آنجایی که کتاب دارای کاربرد آموزشی است، شایسته بود که فصل‌بندی آن به‌شکل مناسب‌تر و عنوان‌بندی و شماره‌گذاری فهرست مطالب آن با جزئیات دقیق‌تری انجام می‌گرفت. از آنجایی که کتاب



به‌منظور بهره‌برداری دانشجویان تدوین گردیده است شایسته‌تر می‌بود که در پایان هر فصل منابعی برای مطالعه بیشتر معرفی می‌شدند؛ چکیده‌ای از مهم‌ترین مطالب فصل نوشته می‌شد و چند پرسش نیز مطرح می‌گردید.

پرسش‌محوری و نقد نظریات و دیدگاه‌های مطرح در زمینه باستان‌شناسی پیش از تاریخ میان‌رودان، تجلی بارزی در کتاب ندارد. به همین دلیل داده‌ها کم‌تر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و شکل و محتوای کتاب بیش‌تر جنبه توصیفی به خود گرفته است. پیش از این اشاره شد که نوسنگی شدن در منطقه آسیای جنوب غربی مبحث بسیار عمیق و گسترده‌ای است و توسط باستان‌شناسان زیادی مورد مطالعه قرار گرفته است. سرزمین میان‌رودان در جریان نوسنگی شدن، که پی‌آمدهایی چون یک‌جانشینی، کشاورزی، و دامداری را به دنبال داشته است، نقش محوری ایفا کرده است. وارد شدن نویسنده به این مباحث ضرورتی تام و جدی بود. گذار از الگوی معیشت چراگردی و گردآوری به الگوی تولید غذا موضوعی است که دست‌کم از دهه ۱۹۶۰ میلادی تاکنون در منطقه هلال حاصل‌خیزی مورد توجه محققان بوده است. طرح این مباحث و تحلیل و نقد نظریات مربوطه می‌توانست بخش‌های مهمی از کتاب حاضر را به خود اختصاص دهد.

پژوهش‌گران تقسیم‌بندی دوران نوسنگی با سفال میان‌رودان را برپایه مختصات فنی، شکلی، و زیبایی‌شناختی سفال‌ها و هم‌چنین سایر فناوری‌ها و جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی در چهارچوبی جزئی‌تر شامل قدیم، میانی، و جدید انجام داده‌اند. آن‌ها حتی این مراحل سه‌گانه را به فازهای خردتری تقسیم کرده‌اند. استفاده از این دوره‌بندی‌ها و تحلیل داده‌ها براساس آن‌ها در کتاب می‌توانست سودمندی آموزشی آن را ارتقا بخشد.

مبحث باستان‌شناسی گذار از دوران نوسنگی به دوران مس‌سنگی میان‌رودان دارای ابعاد پیچیده‌ای به‌ویژه در زمینه گاه‌نگاری است و تناقض‌هایی را در تحلیل باستان‌شناختی محوطه‌های شمال و جنوب میان‌رودان به‌وجود آورده است. نویسنده در این بخش، مباحث مطلوبی را در خصوص دوران حلف و عبید و هم‌پوشانی این دوره‌ها در برخی مقاطع زمانی ارائه کرده است که قابل استفاده هستند. اما، به دنبال این بحث‌های مفید می‌بایست قدری درباره گاه‌نگاری تل‌الاولی که شواهد قدیمی‌ترین دوره فرهنگ عبید را به نمایش می‌گذارد، پرداخته می‌شد. تپه گارا در شمال و محوطه اریدو در جنوب در زمره کلیدی‌ترین محوطه‌های باستانی عبیدی به‌شمار می‌آیند. نویسنده بحث‌های مبسوطی در خصوص یافته‌های گارا نگاشته ولی در خصوص اریدو فقط به ذکر برخی یافته‌های قبور بسنده کرده است؛ این در حالی است که بقایای مکشوف از لایه‌های مختلف اریدو کلید اصلی آشنایی با

تکوین و سیر تحول بناهای مذهبی در دوران عبید و اساساً معماری دینی در میان‌رودان محسوب می‌گردند. اتمام یافتن کتاب بدون جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نهایی قدری برای خواننده غیرمنتظره است.

در ادامه، چند پیش‌نهاد کاربردی به منظور استفاده از آن‌ها در چاپ‌های بعدی کتاب از نظر می‌گذرد.

## ۷. پیش‌نهادهای کاربردی

- طراحی اهداف مشخص جهت تدوین کتاب؛
- فصل‌بندی و ارائه فهرست مطالب دقیق، جزئی، و مناسب؛
- استفاده از تصاویر، نقشه‌ها، نمودارها، و جداول کیفی و مناسب به‌عنوان ابزارهای علمی آموزنده؛
- ارائه تحلیل‌های مناسب درخصوص دوران پیش از تاریخ میان‌رودان؛
- حذف برخی مطالب نامرتب با موضوع و اهداف کتاب؛
- استفاده از جدول‌های گاه‌نگاری دوران‌های مختلف پیش از تاریخ میان‌رودان؛
- پرداختن به مسائل اجتماعی - اقتصادی و آیینی جوامع مورد مطالعه.
- افزودن مطالب بیشتر به بخش دوران مس‌سنگی کتاب؛
- اضافه کردن دوره‌ای به نام اوروک در بخش پایانی کتاب و حتی مباحثی از دوران جمادت نصر و آغاز تاریخی میان‌رودان.

## کتاب‌نامه

- طلایی، حسن (۱۳۸۰)، *باستان‌شناسی و هنر هزاره اول پیش از میلاد ایران*، تهران: سمت.
- طلایی، حسن (۱۳۸۷)، *عصر آهن ایران*، تهران: سمت.
- طلایی، حسن (۱۳۹۰)، *ایران پیش از تاریخ: عصر مس‌سنگی*، تهران: سمت.
- طلایی، حسن (۱۳۹۰)، *عصر مفرغ ایران*، تهران: سمت.
- طلایی، حسن (۱۳۹۰)، *هشت‌هزار سال سفال ایران*، تهران: سمت.
- طلایی، حسن (۱۳۹۴)، *باستان‌شناسی پیش از تاریخ بین‌النهرین*، تهران: سمت.
- ماتیوز، راجر (۱۳۹۱)، *باستان‌شناسی بین‌النهرین: نظریات و رهیافت‌ها*، ترجمه بهرام آجرلو، تبریز: پروژه ترجمه حسنلو؛ دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۶)، تاریخ و تمدن بین‌النهرین: تاریخ سیاسی، ج ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.  
ملک شهمیرزادی، صادق (۱۳۹۰)، بین‌النهرین در دوران پیش از تاریخ: از پیدایش تا دوران آغاز ادبیات، تهران: سبحان نور؛ گنجینه نقش جهان.

- Asouti, E. (2004), "The Contribution of Subsistence Archaeology into Generating Supra-Regional Models for Understanding Near Eastern Neolithization", *Neolithics*, vol. 1, no. 4.
- Asouti, E. (2007), "Beyond the Pre-Pottery Neolithic B interaction sphere", *Journal of World Prehistory*, vol. 20.
- Aurenche, O. et al. (2001), Proto-Neolithic and Neolithic Cultures in the Middle East-The Birth of Agriculture, Livestock Raising, and Ceramics: A Calibrated C14 Chronology 12,500-5500 BC., in: J. Bruins, I. Carmi, & E. Boaretto (eds.), *Near East: Chronology, Archaeology and Environment. Radiocarbon*, vol. 43, no. 3.
- Bar-Yoes, O. (2001), "PPNB Interaction Sphere", *Cambridge Archaeological Journal*, vol. 11.
- Bar-Yosef, O. (1981), "The Pre-Pottery Neolithic Period in the Southern Levant", in: J. Cauvin and P. Sanlaville (eds.), *Pre histoire du Levant*, Paris: CNRS.
- Bar-Yosef, O. (1996), "Late Pleistocene Lithic Traditions in the Near East and their Expression in the Early Neolithic Assemblages", in: S. K. Kozlowski & H. G. K. Gebel (eds.), *Neolithic Chipped Stone Industries of the Fertile Crescent, and their Contemporaries in Adjacent Regions*, Berlin: Ex Oriente.
- Bar-Yosef, O. (2002), "The Natufian Culture and the Early Neolithic: Social and Economic Trends in Southwest Asia", in: P. Bellwood and C. Renfrew (eds.), *Examining the Farming/ Language Dispersal Hypothesis*, Cambridge: McDonald Institute for Archaeological Research.
- Bar-Yosef, O. and R. Meadow (1995), "The Origins of Agriculture in the Near East", in: T. D. Price and A. B. Gebauer (eds.), *Last Hunters, First Farmers: New Perspectives on the Prehistoric Transition to Agriculture*, Santa Fe, New Mexico: School of American Research Press.
- Belfer-Cohen, A. and O. Bar-Yosef (2000), "Early Sedentism in the Near East, A Bumpy Ride to Village Life", in: I. Kuijt (ed.), *Life in Neolithic Farming Communities, Social Organization, Identity and Differentiation*, London: Kluwer Academic.
- Bogucki, P. (1999), "Early Agricultural Societies", in: G. Barker (ed.), *Companion Encyclopedia of Archaeology*, London: Routledge.
- Bottema, S. (1995), "The Younger Dryas in the Eastern Mediterranean", *Quaternary Science Reviews*, vol. 14.
- Braidwood, L. S. et al. (ed.) (1983), *Prehistoric Archaeology along the Zagros Flanks* (Oriental Institute Publications 105), Chicago: Oriental Institute of the University of Chicago.
- Byrd, B. F. (2000), "Households in Transition: Neolithic Social Organization within Southwest Asia", in: I. Kuijt (ed.), *Life in Neolithic Farming Communities. Social Organization, Identity and Differentiation*, London: Kluwer Academic/ Plenum.
- Cauvin, J. (2000), "The Symbolic Foundations of the Neolithic Revolution in the Near East", in: I. Kuijt (ed.), *Life in Neolithic Farming Communities, Social Organization, Identity and Differentiation*, London: Kluwer Academic/ Plenum.

- Grosman, L. and A. Belfer-Cohen (2002), "Zooming on to the Younger Dryas", in: R. T. J. Cappers and S. Bottema (eds.), *The Dawn of Farming in the Near East. Studies in Near Eastern Production, Subsistence and Environment*, Berlin: ex oriente.
- Hole, F. (1978), "Pastoral Nomadism in Western Iran", in: R. Gould (ed.), *Explorations in Ethnoarchaeology*, Albuquerque: University of New Mexico Press.
- Hout, J. L. (1989), "Ubaidian Village of Lower Mesopotamia, Permanence and Evolution from Ubaid 0 to Ubaid 4 as seen from Tell el'-Oueili", in: E. F. Henrickson and I. Thuesen (eds.), *upon this Foundation. The Ubaid Reconsidered*, Copenhagen: Museum Tusculanum Press.
- Huot, J. L. (1992), "The First Farmers at Oueili", *Biblical Archaeologist*, Dec. 1992.
- Kozłowski, S. K. and O. Aurenche (2005), *Territories, Boundaries and Cultures in the Near East*, BAR International Series 1362, Oxford: Archaeopress.
- McCorriston, J. and F. Hole (1991), "The Ecology of Seasonal Stress and the Origins of Agriculture in the Near East", *American Anthropologist*, vol. 93.
- Moore, A. M. T. and G. C. Hillman (1992), "The Pleistocene to Holocene Transition and Human Economy in Southwest Asia: The Impact of the Younger Dryas", *American Antiquity*, vol. 57.
- Rollefson, G. O. (2000), "Ritual and Social Structure at Neolithic 'Ain Ghazal'", in: I. Kuijt (ed.), *Life in Neolithic Farming Communities, Social Organization, Identity and Differentiation*, London: Kluwer Academic/ Plenum.
- Rollefson, G. O. and H. G. K. Gebel (2004), "Towards New Frameworks: Supra-Regional Concepts in Near Eastern Neolithization", *Neo-Lithics*, vol. 1.
- Schwartz, G. M. (1995), "Pastoral Nomadism in Ancient Near East", in: J. M. Sasson (ed.), *Civilization of the Ancient Near East*, New York: Scribner.
- Simmons, A. H. (2011), *The Neolithic Revolution in the Near East: Transforming the Human Landscape*, University of Arizona Press.
- Talai, H. (1984), *North-Western Iran and Surrounding Regions in Iron I and Iron II: Haftavan V-IV in Its Context*, Ph.D Thesis, University of Manchester.
- Twiss, C. K. (2007), "The Neolithic of the Southern Levant", *Evolutionary Anthropology*, vol. 16.
- Watson, P. J. and S. A. LeBlanc (1990), *Girikihaciyani: A Halafian Site in Southeastern Turkey* (Monograph 33), Los Angeles: Institute of Archaeology, University of California, Los Angeles.
- Wilkinson, T. J. (2000), "Regional Approaches to Mesopotamian Archaeology: The Contribution of Archaeological Surveys", *Journal of Archaeological Research*, vol. 8.
- Wright, Jr. H. E. (1993), "Environmental Determinism in Near Eastern Prehistory", *Current Anthropology*, vol. 34.
- Zeder, M. A. (1994), "After the Revolution: Post Neolithic Subsistence in Northern Mesopotamia", *American Anthropologist*, vol. 96, no. 1.